

بررسی نهاد آموزش در عصر اتابکان زنگی

انتظار علوی پور^۱

چکیده

پس از ظهور اتابکان زنگی در قرن پنجم هجری در منطقه شامات، تحولات عظیمی در زمینه مدرسه سازی و بسط و توسعه علمی ایجاد شد. تلاش آنها در ساخت مراکز و نهادهای علمی در شهرهای مناطق شام از جمله؛ دمشق، حلب، حماه، حمص، بعلبک، منبج و رحبه و همچنین استقرار این مراکز بر نظام وقف، از یک سو سبب استقلال مالی آنها و همچنین جذب دانشمندان و علماء از سایر مناطق به این شهرها شد و از سوی دیگر گامی بزرگ در جهت پیشرفت و توسعه علمی تمدن اسلامی به شمار می‌رفت. در این دوره علاوه بر مدارس متعددی که به شافعی و حنفی مذهب اختصاص داده شده بود، مراکز علمی آموزشی دیگری نیز از جمله دارالحدیث نوریه که یک مرکز علمی تخصصی بود و همچنین بیمارستان بزرگ نوریه به عنوان یک مرکز علمی آموزشی، توسط امراء و وزراء زنگی در مناطق مختلف شامات بنا شد. بنابراین در این مقاله تلاش خواهد شد تا نقش نورالدین محمود زنگی و سایر شخصیت‌های اتابکان و معاصر آنها در تأسیس و گسترش فعالیت مدارس و نهادهای آموزشی اتابکان در شام و موصل و ... و همچنین عملکرد نظام وقف و تاثیر آن بر مراکز علمی این دوره واکاوی شود.

واژه‌های کلیدی: آموزش، اتابکان زنگی، شام، موصل، نورالدین زنگی، وقف

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

آل‌زنگ سلسله‌ای ترک نژاد از غلامان سلاجقه، منسوب به عمادالدین زنگی که از (۵۲۱ تا ۶۲۴ هـ. ق/۱۱۲۷ تا ۱۲۲۷م) بر شام، مصر و جزیره فرمان راندند. (زرکلی، ۱۹۹۲، ۵۰/۳. حمود، ۱۴۳۱، ۴۰). بعد از تاسیس حکومت زنگیان در موصل، عمادالدین لقب اتابک یافت و جانشینان او اتابکان خوانده شدند.^۱ مهمترین اتابک و جانشینان وی، نورالدین محمود زنگی می‌باشند، وی علاوه بر فرمانداری و شرکت در جنگها و لشکرکشی‌های متنوع خود اهل علم بود و فقه و حدیث را بسیار ارج می‌نهاد و به مطالعه و روایت آن رغبت تمام نشان می‌داد و نیمی از عمر خود را صرف تولید علم و ساخت و ساز نهادهای علمی کرد. بنابراین به دنبال تأسیس دولت اتابکان در مصر و شام و موصل، بستر مناسبی برای رشد و ترویج علم در منطقه شامات بوجود آمد تا متفکران و دانشمندان اسلامی این دوره بتوانند به تدریس و تولید علم در اماکن آموزشی بپردازند. در این دوره بزرگترین فقها و محدثان و مشهورترین مورخان و علمای نحو و لغت از جمله: ابن عساکر معروف، ابن دهان نحوی، عمادالدین اصفهانی و ... در شرق جهان اسلام ظهور کردند که از نتایج ظهورشان، تالیف کتب مهمی بود که افراد از آن بهره بردند.

به هر حال، این مقاله از یک سو به دلیل خلاء پژوهش در این حوزه، و از سوی دیگر، بنابر تأثیر اتابکان و فعالیت‌های آنها در پیشرفت و توسعه علمی در منطقه‌ی شامات آن روز اهمیت دارد. بدین سان در بسیاری از مواقع، اطلاعاتی که درباره یک مرکز علمی - آموزشی بدست می‌آوریم، از چند خط تجاوز نمی‌کند. تحقیق پیش رو نیز از این امر مستثنی نیست و اطلاعات در دسترس بسیاری از مدارس مورد بحث، بیش از چند سطر نیست. در هر صورت تلاش شده تا بیشترین داده‌های بدست آمده در مورد این مراکز و مدارس، ارائه گردد. مهمترین پرسش‌هایی که می‌تواند در این پژوهش به بررسی بهتر ابعاد مسئله‌ی مورد نظر کمک کنند، به قرار ذیل است:

- ۱- حاکمان زنگی چه نقشی در گسترش علم و نهادهای علمی این دوره داشته‌اند؟
- ۲- نظام وقف چه تاثیری در گسترش مراکز علمی این دوره داشته است؟
- ۳- مهمترین نهادهای آموزشی در عصر اتابکان زنگی چه نهادهایی بودند؟

امرای زنگی و توسعه‌ی نهادهای آموزشی

از زمان تاسیس سلسله‌ی زنگیان در سال ۵۲۱ هـ. ق تا برافتادن آنها در ۶۲۴ هـ. ق بالغ بر ۱۴ امیر در شام، مصر و جزیره حکمرانی کردند. اما گزارش‌های منابع درباره ایجاد نهادهای آموزشی و توسعه آنها عمدتاً

پیرامون اقدامات امیر شجاع و دانش دوست این سلسله یعنی نورالدین زنگی و سه تن از امراء و وزرای شاخه‌ی موصل است. اینک تصویری کوتاه از کوشش بی دریغ این امراء در زیر بدست می‌دهیم:

الف) نورالدین محمود زنگی؛ علاوه بر آنکه قسمت وسیعی از سرزمین‌های اسلامی را از تجاوز مهاجمان مسیحی مصون نگاهداشت، با تأسی از نظام الملک^{۱۰} به تاسیس مدارس، مساجد و کتابخانه‌های بزرگ دست زد و در حمایت از دانشمندان و کمک به طلبه علم منشاء خدمات ارزنده‌ای شد (غنیمه، ۱۳۷۷، ۲۹۷). وی از جمله‌ی افراد تاثیرگذار در توسعه آموزش و نهادهای علمی این دوره به شمار می‌رود که در تاسیس و گسترش دامنه فعالیت مدارس در بسیاری از شهرهای گوناگون سوریه نقش فعالی داشته است و مدارس فراوانی را برای حنفی‌ها و شافعی مذهببان (ابن خلکان، ۱۳۶۴، ۴۰۹/۱). در شهرهای مناطق شام از جمله؛ دمشق، حلب، حماه، حمص، بعلبک، منبج و رحبه بنیاد نهاده است. (ابن العماد، بی تا، ۳۳۰/۴. ابن خلکان، ۱۳۶۴، ۵۴/۳. ابو شامه، ۱۴۲۲، ۱۱/۱).^{۱۱} به هر حال از وی به عنوان نخستین پایه گذار مدارس در دمشق و شهرهای دیگر سوریه نام برده شد. (الماسی، ۱۳۷۰، ۳۰۹). به گفته ابوشامه مدرسه‌ها ارمغان نورالدین به این کشور بودند. از اینرو در دوران وی، شام و بویژه دربار او پناهگاه اندیشمندان، دانشوران، فقهاء و صوفیان گردید. نورالدین تمام توجه خود را صرف ساخت مدارس، رباطها، خانقاه‌ها و مساجد و بیمارستان‌ها در دمشق کرد. (جیده، ۲۰۰۱، ۵۵) در این دوران دانشمندان از جایگاه والایی برخوردار بودند تا جایی که علماء و فرهیختگان بیگانه چه بسا از راههای دور دعوت به آمدن می‌شدند تا در زیر چتر پشتیبانی او به پژوهش پردازند. (ابوشامه، ۱۴۲۲، ۱۴ / شلبی، ۱۳۸۷، ۱۰۵). وی به تقلید از نظامیه‌ها، هفت باغ و بوستان و مقداری زمین که درآمد سالانه آن به ۵۰۰ دینار می‌رسید برای استفاده دانشجویان غربی اختصاص داد و ۵۰۰ دانش آموز از خزانه شاهی او هزینه‌ی تحصیل می‌گرفتند. (الماسی، ۱۳۷۰، ۳۲۲) علاوه بر ساخت مدارس، نورالدین در احترام به علماء و بزرگداشت اهل ادب از حد متعارف کشورهای شرقی متواضع تر و متسامح تر بوده است. (حلبی، ۱۳۶۵، ۳۷۶)

ب) سیف الدین غازی بن زنگی؛ هرچند سهم زنگیان موصل در توسعه و گسترش مکان‌های آموزشی به اندازه‌ی نورالدین نبود اما عملکرد وی در این زمینه قابل ذکر است. سیف الدین در موصل مدرسه‌ی «اتابکیه» را که از بهترین مدارس آن روزگار بود ساخت و آن را بر فقهای شافعی وقف کرد. و سرانجام در همین مدرسه به خاک سپرده شد. (ابن اثیر، ۱۳۹۹، ۱۳۸/۱۱-۱۳۹) گفته شد که وی برای فقیهان مدارس و برای فقیران رباطها بنا نمود. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ۳۷۱/۳)

ج) عزالدین مسعود؛ از دیگر امرای زنگی بود که در موصل مدرسه بزرگی را بنا و آن را بر فقهای حنفی و شافعی وقف کرد. (زرکلی، ۱۹۹۲، ۲۲۰/۷-۲۲۱) به رغم آنکه در منابع نامی از این مدرسه ذکر نشده است اما گفته شد که این مدرسه یکی از بهترین مدارس موصل بود که توسط وی بنا شده است. بنا به نقل از برخی مورخین مانند ابن خلکان، این مرکز علمی در حالیکه بین آن دو میدان بزرگی بود، در مقابل مدرسه-ای قرار داشت که توسط پسر عزالدین یعنی نورالدین ارسلان شاه آن را ساخته و سرانجام وی را در همین مدرسه دفن کردند. (ابن خلکان، ۱۳۶۴، ۲۰۷/۵)

د) مجاهد الدین قایماز؛ وی وزیر عزالدین مسعود و نورالدین ارسلانشاه در موصل، همانند سایر وزراء در حکومت‌های اسلامی مساجد و مدارس بنا نهاد و املاکی وقف کرد و مکتبی برای یتیمان ساخت و متکفل مخارج آنان شد. (ابن تغری بردی، بی تا، ۱۲۹/۶)

عالمان و توسعه علوم

علاوه بر امراء و حاکمان اتابکان زنگی که نقشی چشمگیر در توسعه علوم و ساخت و ساز بناهایی داشتند که در آنها تدریس علوم مختلف رواج داشت، باید از دانشمندان بزرگی که در این راه قدم برداشتند و همچنین در بسط و تسریع علوم اسلامی آثار و کتاب‌هایی از خود بر جای گذاشتند به طور مختصر یاد کرد، دانشمندان بزرگی همچون ابوبکر یحیی بن سعدون ازدی قرطبی، نحوی و عالم فن قرائت (د ۵۶۷ق/۱۱۷۲م)، ابو محمد سعید بن مبارک معروف به ابن دهان نحوی (۵۶۹ق/۱۱۷۴م)، مجدالدین ابوالسعادت بن اثیر^{۱۲} (د ۶۰۶ق/۱۲۰۹م) برادر ابن اثیر مورخ، ابوالحسن علی بن الحافظ معروف به ابن عساکر (د ۶۱۶ق/۱۲۱۹م) و عبدالرحمن بن هبه الله بن عساکر فقیه (د ۶۲۰ق/۱۲۲۳م) و عمادالدین اصفهانی (۱۲۰۱/۵۹۷) از نویسندگان معروف آن دوره و نیز از کاتبان نورالدین زنگی و نویسنده مشهور کتاب "خریده القصر و جریده اهل العصر"، "البرق الشامی" و همچنین کتاب "الفتح القسی فی الفتح القدسی". (زرکلی، ۱۹۹۲، ۲۶/۷-۲۷؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۶۸، ۱۵/۲)

تاثیر نظام وقف در توسعه نهادهای آموزشی

در بسیاری از سرزمین‌های اسلامی نهاد وقف پشتیبان اصلی مالی مراکز علمی به شمار می‌رفت، به طبع در این دوره مانند سایر سرزمین‌های اسلامی، اکثریت این مراکز به صورت موقوفه تاسیس و اداره می‌شدند. استقرار این مراکز بر نظام وقف، با توجه به ویژگی‌های منحصر به فردی چون غیر قابل تصرف بودن و همیشگی بودن موقوفه‌ها، نه تنها موجب استقلال مالی و اداری نهادهای علمی می‌گردید، بلکه با تضمین

امکانات و نیازهای اساسی مورد نیاز استادان و دانشجویان زمینه مناسبی را برای فعالیت و کارکرد مستمر و دائمی این پایگاه‌ها فراهم می‌آورد.^{۱۳} در اینجا باید به برخی اماکن علمی و آموزشی این دوره اشاره کرد. دارالحدیث نوریه در دمشق، از مشهورترین این مراکز است که در قرن ششم هجری به دستور نورالدین زنگی تاسیس شد. او کتاب‌های دینی زیادی گرد آورد و برای استفاده کسانی که مشتاق مطالعه بودند، وقف کرد. وی برای نگهداری این کتاب‌ها افرادی را برگزید که از این علوم سررشته داشتند و آن را تبلیغ می‌کردند. بسیاری از این کتاب‌ها به دارالحدیث مذکور منتقل شدند. بعدها وقف دیگری بر این کتابخانه انجام شد و شمار کتابهای آن نیز بیشتر گردید. (حسین زاده شانه چی، ۱۳۸۸، ۲۲۳) کتابخانه حلب از جمله مراکز علمی اوایل قرن پنجم هجری می‌باشد که شاعر محمد بن نصر بن صغیر قیسرانی (در گذشته به سال ۵۴۸ هـ. ق) ساکن حلب و سرپرست آن بوده است. گمان می‌رود واقف آن سلطان نورالدین محمود بن زنگی باشد که به دانش دوستی و وقف کتب شهرت یافته و قیسرانی شاعر با او ارتباط داشت. (محمود ساعاتی، ۱۳۷۴، ۵۰). مدرسه نوریه در حلب، از دیگر مدارسی است که نورالدین محمود بن زنگی کتبی را احتمالاً بر آن وقف کرد، زیرا ذهبی در شرح حال و آثار بر جای مانده از او، اشاره می‌کند که وی کتاب‌های ارزشمند زیادی را وقف کرد ولی جاهایی را که این کتابها بر آنها وقف شده، معین نکرده است. (همان، ۸۳) وی دستور داد تا بر در مدرسه بر سنگی این وقفنامه را نوشته‌اند. (متواری سورکی، ۱۳۸۴، ۴۰۲-۴۰۳). فقیه ابوبکر بن احمد الظاهر (متوفی ۵۵۳ هـ. ق) از افرادی بود که مجموعه کتبی را وقف این مدرسه کرد. همچنین احمد بن محمود بن ابراهیم بن جوهری (متوفی ۶۴۳ هـ. ق) که مجموعه بزرگی کتب و آثار خطاطی فراوان داشت وقتی احساس کرد که مرگش نزدیک است، کتابها و جزوات خود را وقف این مدرسه کرد. (همان، ۴۰۲-۴۰۳)

نمونه دیگر، مدرسه عادلیه دمشق می‌باشد، نخستین کسی که به فکر ساختن این مدرسه افتاد تا بزرگ شافعیه قطب الدین مسعود بن محمد بن مسعود نیشابوری در آن به تدریس پردازد، نورالدین محمود زنگی بود، به نظر می‌رسد که قطب الدین زیاد انتظار کشید تا این مدرسه ساخته شود ولی مرگ او را امان نداد. او کتاب- هایش را بر طلاب علم در هر رشته علمی وقف کرد و پس از تکمیل ساختمان مدرسه به آنجا انتقال داده شدند. در این کتابخانه کتاب التقریب را در شش جلد مشاهده کرد و حال آن که در اصل ده جلد است. وی اضافه می‌کند بر روی این کتاب نوشته شده: تالیف ابوالحسن قاسم بن ابوبکر قفال شاشی. نسخه مذکور از شیخ قطب الدین مسعود نیشابوری بوده و از دست خطی که وی بر روی کتاب نوشته معلوم می‌شود که او

آن را وقف کرده است. (محمود ساعاتی، همان، ۸۴). گاهی واقفان به سبب ارادت و احترامی که برای فقها، محدثان، طلاب علوم دینی، پزشکان و یا پیروان و علمای مذهب خاصی قائل بودند، کتاب‌های خود را برای استفاده یکی از این طبقات و گروه‌ها وقف می‌کردند. (متواری سورکی، ۶۲-۶۳). علاوه بر این، بیمارستانها هم مراکز آموزش دانش پزشکی نیز بودند و ماهیت کار آنها اقتضا می‌کرد که مجموعه‌ای از کتب مورد نیاز در این رشته در آنها موجود باشند تا مورد استفاده پزشکان و دانشجویان قرار گیرد. (حسین زاده شانه چی، ۲۲۰). از اینرو بود که نورالدین محمود بن زنگی نیز تعداد بسیاری از کتب پزشکی را وقف پزشکان بیمارستان و جهت استفاده دانشجویان رشته پزشکی و کارکنان بیمارستان النوری کرد. (متواری سورکی، ۶۲-۶۳. شلبی، ۱۵۹). اما گاهی اشتیاق به کارهای نیک و اقدامات اصلاحی با تمایلات سیاسی نیز آمیخته بود، چنانکه نظام الملک طوسی و نورالدین زنگی و صلاح الدین ایوبی کار موقوفات مدارس را به منظور کمک به مذاهب و عقاید اهل سنت و ستیز بر علیه تشیع انجام می‌دادند و فاطمیان نیز عواطف خیرخواهانه را با موضوع نشر دعوت خود در می‌آمیختند مانند موقوفاتی که عزیز و حاکم دو خلیفه فاطمی بر جوامع ازهر و دارالعلم اختصاص می‌دادند. (غنیمه، همان، ۳۰۵) علاوه بر همه این مسائل باید دانست که وقف کانون جنبش علمی و فکری مسلمانان در طی قرن‌ها بوده، زیرا واقفان اعم از حکام، وزراء، علما و اشخاص در پشتیبانی از راههای علمی و در نتیجه قرار دادن دانش در اختیار همه طبقات جامعه بدون کمترین تبعیض، سهم داشته‌اند. لذا، یکی از عوامل اصلی دوام و استمرار این مراکز علمی، علاوه بر حمایت و پشتیبانی امراء و حاکمان قدرتمند، استقلال مالی آنها بود، که این مراکز را در تحولات و رویدادهای زمان و حتی تغییر حکومت‌ها قادر به ادامه حیات می‌ساخت.

مدارس و مراکز علمی در عصر زنگیان

دوره‌ی حکمرانی زنگیان با ایجاد مراکز علمی و رونق محافل تعلیم و تعلم همراه است. در این دوره علاوه بر دارالحدیث نوریه که یک مرکز علمی تخصصی بود مراکز و مدارس هم توسط امیران زنگی و جانشینان آنها ساخته شد. تعدادی از این مدارس به شافعی مذهب و برخی دیگر به حنفی مذهب اختصاص داشت. از جمله مهمترین این مراکز می‌توان به تفکیک موارد زیر را نام برد:

الف) دارالحدیث نوریه؛ ملک نورالدین علاوه بر تاسیس مدرسه، خدمات دیگری چون فعالیت در زمینه‌ی برنامه‌های آموزشی داشت و آن گامی بود که به سوی تخصص علمی برداشت و دانشکده مخصوص خود را بنام "دارالحدیث" در دمشق تاسیس کرد (ابن خلکان، ۱۸۵/۵). و آن را به علوم حدیث نبوی اختصاص داد.

اگرچه این دارالحدیث با مدارس فقهی اختلاف برنامه‌ای ندارد اما از آنجا که مخصوص به مسائل حدیثی بوده است، ممتاز می‌باشد و در حالیکه اسلوب غالب بر مدارس همان روش‌های فقهی بوده است این دارالحدیث بنام مدرسه هم خوانده می‌شود. مورخان اسلامی بر این مطلب اتفاق نظر دارند که این دارالحدیث نخستین مرکز علمی از نوع خود بوده که در تاریخ اسلام برای استفاده محدثان بنیاد گردیده است. (الشریف، ۱۴۲۸، ۴۰-۴۱). بنابراین نخستین دارالحدیث دمشق را منسوب به او می‌دانند، (زرکلی، ۱۷۰/۵. الاوتانی، ۲۰۰۷، ۴۸). با این عمل مقام علم حدیث و محدثان به پایه علم فقه و فقیهان رسید؛ تا آنجا که بعدها مساجدی نیز به آموزش حدیث اختصاص پیدا کرد. (مجتهدی، ۱۳۷۹، ۷۱). ریاست این دارالحدیث را حافظ بن عساکر (متوفی ۵۷۱ هـ. ق" بر عهده داشت که وی صاحب تاریخ دمشق و امام و پیشوای محدثان زمان خود بود. (ابن العماد، ۳۹۴/۴). با وجود بی‌اعتنایی ابن عساکر به حاکمان و صاحبان قدرت، نورالدین زنگی حکمران شام همواره او را بزرگ می‌داشت و علاوه بر تشویق و حمایتی که از او در تالیف تاریخ دمشق به عمل آورد، همانطور که تا حدودی اشاره شده است این دارالحدیث که از نخستین مراکز تخصصی در آموزش حدیث بوده است برای او تاسیس و ریاست آن را به وی واگذاشت. (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۷). از جمله کسانی که در این مدرسه تدریس می‌کردند، می‌توان به حافظ بن عساکر معروف، القاسم بن عساکر، زین الامناء بن عساکر و فرزندش التاج بن زین الامناء بن عساکر، زین الدین خالد النابلسی شیخ النوری، تاج الدین الفزاری، فخرالدین الحنبلی و ... اشاره کرد. (نعیمی، ۱۴۱۰/۱، ۷۴-۸۳).

ب) مدارس شافعیه؛ از نیمه دوم قرن پنجم و سرتاسر قرن ششم هجری که در حقیقت باید آن را عصر مجادلات مذهبی و مناقشات فرقه‌ای نامید، کلیه‌ی امور سیاسی و اجتماعی تحت الشعاع مذهب قرار داشته است. (کسای، ۱۳۷۴، ۱۶) از همین رو مشخصات عمده آموزش در این دوره، تعلیم و تعلم علوم دینی، به خصوص اصول مذهب حنفی، شافعی بود که گاه برای هر کدام از آنها در یک مدرسه، کلاس‌های خاص تشکیل می‌شد و گاه مدارس جداگانه‌ای برای هر یک در نظر گرفته می‌شد. به همین خاطر بیشتر این مدارس به نام پایه گذاران و مکتب فقه شافعی و حنفی پیوستگی دارد. (ابن خلکان، ۲۷۳/۴. ابن اثیر، ۴۰۴/۱۱). ذکر این مدارس در ذیل مذهبی که به آن تعلق داشتند به صورت جداگانه بیان می‌گردد:

مدرسه اتابکیه؛ هر چند منابع در مورد این مدرسه اطلاعات اندکی را به ما دادند، با این وجود بهترین مدارس موصل بود که بوسیله‌ی سیف الدین غازی بن عمادالدین زنگی بنا نهاده شد. (ابن اثیر، ۱۳۸/۱۱-۱۳۹. ابوشامه، ۷۵/۱. زرکلی، ۱۱۲/۵).

مدرسه اقبالیه (شافعیه)؛ مدارس در اسلام به چندین گونه بوده است، یکی از آنها حلقه‌های جوامع و رباطات و زوایا بوده است، دیگری مدارس مجانی بزرگ بوده است که علوم اسلامی بویژه علوم شرعی از قبیل فقه، صرف و نحو و کلام و جز آنها را در آن مدارس تدریس می‌کرده‌اند و علمای مدرس در آن حوزه راتبه و حقوق دریافت می‌کردند و شاگردان نیز از بسیاری از امکانات رفاهی بهره‌مند می‌شدند مانند مدرسه بزرگ نوریه. (شلبی، ۱۷۶) از همین رو نورالدین زنگی در سوریه و صلاح الدین ایوبی در مصر و سوریه در همه بنیادهایی که خود ساختند استادانی با پرداخت حقوق بر گماشتند. از میان نام بیشمار آنان ابوالبرکات حارثی (م ۵۶۲ هـ. ق)، نجم الدین خابوشانی (م ۵۸۷ هـ. ق) و عمارت الدین قاتب (م ۵۹۷ هـ. ق) را می‌توان ذکر کرد. (همان، ۱۷۶) اما شکل سوم مدارس بودند که برخی از علمای معتبر و متمکن در منازل خویش منعقد می‌کرده‌اند مانند؛ مدرسه اقبالیه شافعیه و حنفیه.

این مدرسه در بین باب الفرج و باب الفرادیس واقع بود. مؤسس این مدرسه را شخصی بنام جمال الدین یا جمال الدوله اقبال (متوفی سال ۶۰۳ هـ. ق) می‌دانند. ابن شداد، اقبال را خادم نورالدین زنگی می‌داند، دیگر مورخان از جمله اسدی و ابن کثیر معتقدند که وی یکی از خادمین صلاح الدین ایوبی بود. این مدرسه به همراه مدرسه اقبالیه حنفیه دو خانیه متعلق به جمال الدین بود که خانیه بزرگتر را بر شافعی‌ها و کوچکتر را بر حنفی‌ها وقف کرد و اماکنی هم به عنوان موقوفه به آنها اختصاص داد که دو سوم آن مخصوص مدرسه‌ی شافعی و یک سوم باقی به مدرسه حنفیه تعلق داشت. (غنیمه، ۱۵۰). این مدرسه بنابر روایت ابن کثیر در سال ۶۲۸ هـ. ق در بازار عجم بغداد که منسوب به اقبال الشرابی بوده تکمیل و کلاس‌های درس آن آماده‌ی تدریس و آموزش گردید. از جمله کسانی که در این مدرسه تدریس می‌کردند، می‌توان از علامه تاج الدین موسی بن محمد بن موسی المراعی معروف به ابن جواب الشافعی (از فضلاء شافعی و فقه و اصول و نحو تدریس می‌کردند)، قاضی القضاة و شیخ الشیوخ علاء الدین ابوالحسن علی بن نورالدین ابی الفداء اسماعیل بن یوسف القونوی التبریزی، قاضی القضاة شهاب الدین محمد بن المجد عبدالله بن الحسن علی الرودذراوری الاربلی الاصل یا دمشقی، عمادالدین ابوالفداء اسماعیل بن خلیفه بن عبد العالی نابلسی الاصل و ... نام برد. (نعیمی، ۱۱۸-۱۲۳).

مدرسه امینیه؛ علاوه بر امیران زنگی، جانشینان و نایبان آنها هم در ساختن مدارس سهیم بودند. ابن شداد و همچنین ذهبی بر این باورند که اتابک عسکر دمشق امین الدین کمشتکین نایب و جانشین امیران زنگی در قلعه بصری و قلعه صرخد، مدرسه‌ای را در دمشق بنام مدرسه‌ی امینیه ساخته است. این مدرسه اولین مدرسه‌ای بود که برای شافعیان توسط وی در دمشق ساخته شد. از جمله کسانی که در این مدرسه تدریس می‌کردند می‌توان از جمال الدین بن سیما، علاءالدین علی بن العلامه البارک کمال الدین عبد الواحد بن عبد الکریم الانصاری السماکی الدمشقی الشافعی، (ابن العماد، ۴۱۶/۵). ابن عبدالله خطیب مسجد جامع اموی، نجم الدین ابوالبرکات عبدالرحمن بن ابی عصرون، بدرالدین ابوالمحاسن یوسف بن قاضی سنجار، ابوالحسن علی بن المسلم بن محمد بن علی السلمی الدمشقی (وی اولین کسی بود که در این مدرسه تدریس می‌کرد)، شرف الدین ابوالحسن علی بن ابی بکر بن جمال الاسلام السلمی و ... نام برد. افرادی هم مانند قطب الدین ابوالمعالی مسعود بن محمد النیشابوری الطرشیشی صاحب کتاب "الهادی فی الفقه" در این مدرسه تحصیل می‌کردند. سرپرستی این مدرسه را کسانی مانند؛ نجم الدین بن سنی الدوله (وی دو بار این سمت را بر عهده داشت)، شمس الدین بن عبدالکافی، محیی الدین بن زکی الدین و ... بر عهده داشتند. (نعیمی، ۱۳۲/۱-۱۵۳)

مدرسه الصلاحیه؛ این مدرسه در نزدیکی بیمارستان نوریه توسط نورالدین محمود بن زنگی ساخته شد. بانی این مدرسه به اشتباه به ملک ناصر صلاح الدین ایوبی نسبت داده شد. (همان، ۲۵۰. حمود، ۱۳۲). از مدرسین این مدرسه می‌توان به شمس الدین الکردی و مجدالدین عبدالله الکردی اشاره کرد. (الاوتانی، ۳۹۹).

مدرسه عادلیه کبری؛ اما از دیگر مدارس این دوره، مدرسه عادلیه بود. این مدرسه در دمشق و روبه روی دارالعقیقی ساخته شد. نخستین کسی که به فکر ساختن این مدرسه افتاد تا بزرگ شافعیه قطب الدین مسعود بن محمد بن مسعود نیشابوری در آن به تدریس پردازد، نورالدین محمود زنگی بود. ولی پیش از این که او کار را تمام کند وفات یافت، آنگاه فرزندش سیف الدین تکمیل آن را به عهده گرفت و وی نیز پیش از آنکه کار را به پایان برساند از دنیا رفت. سپس سیف الدین ابوبکر محمد بن امیر نجم الدین ایوب بن شادی آن را بازسازی و تکمیل کرد و این کار شاید در دوره پس از سال ۵۷۸هـ. ق همان سالی که قطب الدین مسعود وفات یافت انجام شده است. (نعیمی، ۲۷۱/۱-۲۷۸). بنابراین مؤسس این مدرسه را ملک عادل ابوبکر بن ایوب می‌نامند که به هنگام وفات در ۶۱۵ هـ. ق در آنجا به خاک سپرده شد، این مدرسه همانند سایر

مدارس به فرقه‌ی شافعیه اختصاص داشت. (زرکلی، ۱۷۰/۷. الاوتانی، ۴۰۳). نعیمی به نقل از اسدی گفته است نورالدین محمود بن زنگی بنای این مدرسه را آغاز کرد، اما تنها محراب آن تمام شده بود که در سال ۵۶۸ هـ. ق فوت کرد و پس از آن ملک عادل ابوبکر برای صلاح الدین بنای نیمه تمام را ویران و مدرسه بزرگی که "عادلیه" نامیده شد، به جای آن بنا نمود. (نعیمی، ۲۷۱/۱-۲۷۸).

مدرسه عذراویه (شافعیه)؛ به نقل از شلبی این مدرسه در دمشق ساخته شد و پایه گذار آن عذراء دختر نورالدین بود. (شلبی، ۱۳۲). اما در مورد این مدرسه همانند سایر مدارس روایت‌های دیگری هم وجود دارد. غنیمه به نقل از ابن ابی شامه و نعیمی، بنیانگذار این مدرسه را (عذراء) دختر شاهنشاه بن ایوب و خواهر عزالدین فرخ شاه می دانند. (غنیمه، همان، ۱۵۰). مدرسه عذراویه هم بر شافعیه و هم بر حنفیه وقف شده یود.

مدرسه عسرونیه؛ نورالدین این مدرسه را در دمشق و بر مذهب شافعی بنا کرد. (الطباخ الحلبی، ۱۴۰۸، ۳۳/۱). وی سرپرستی این مدرسه را به شرف الدین بن ابی عسرون یکی از علماء و صالحین آن روز سپرد. (ابن ابی جراده، زبده الحلب، ۱۴۱۸، ۴۷۶/۲؛ بغیه الطلب، بی تا، ۴۲۳۵/۹؛ ابوشامه، ۱۷/۱). شرف الدین (م ۵۸۵ هـ. ق) از دانشمندان و قاضیان معروف شافعی بود که در نظامیه بغداد نزد اسعد میهنی و ابوالفتح بن برهان فقه و اصول آموخت و در شهرهای موصل، سنجان و حلب به تدریس پرداخت. از جمله کتابهای وی می توان به صفوه المذهب علی نهاییه المطلب، الانتصار لما جرد فی المذهب من الاخبار و الاختیار و ... اشاره کرد. (زرکلی، ۱۲۴/۴). وی در زمان نورالدین زنگی به دمشق رفت و نورالدین مقدم وی را گرامی داشت و در شهرهای حلب، حماه، حمص و بعلبک برای ایشان مدرسه‌ای ساخت که به نام خود او (ابی عسرون یا عسرونیه) شهرت یافت. (ابن خلکان، ۵۳/۳-۵۶. زرکلی، ۱۲۴/۴). ابراهیم بن خلیل بن ابراهیم الرسغی از جمله کسانی بود که در این مدرسه تدریس می کرد. (عسقلانی، بی تا، ۱۱).

مدرسه عمادیه؛ علامه بدران به نقل از ذهبی می گوید: همانا این مدرسه را نورالدین زنگی بنا کرد^{۱۴} و گروهی از جمله؛ الحارثی و دو فرزندش عزالدین و تاج الدین و عماد الدین کاتب، شمس الدین شیرازی، شرف الدین ابن انه، محی الدین بن الصایغ در آن تدریس می کردند. اما شهرت این مدرسه به اسم مدرس آن یعنی عماد اصفهانی می باشد. (نعیمی، ۳۰۸-۳۱۲. جیده، همان، ۳۷۳. حمود، همان، ۱۳۲). وی در اصفهان متولد شد و پس از فراغ تحصیل از نظامیه بغداد به شام رفت و در دستگاه نورالدین زنگی و صلاح

الدین ایوبی به مراتب عالیه حکومتی دست یافت و در مدارس نوریه و همچنین عمادیه دمشق به تدریس پرداخت. (زرکلی، ۲۶/۷-۲۷).

مدرسه الکلاسه؛ این مدرسه از جمله مدارس بود که نورالدین زنگی در دمشق بنا کرد. مدرسه الکلاسه از طرف ضلع شمالی آن به جامع اموی دمشق متصل بود. (ابن العماد، همان، ۲۴۹/۸). از همین رو دلیل نامگذاری مدرسه به الکلاسه به این خاطر است که در هنگام ساخت مسجد جامع اموی، در این مکان ساروج ساخته می‌شد و چون فضای موجود مسجد جامع گنجایش پذیرای مردم را نداشت، بنابراین مدرسه را بسط و گسترش دادند. در نوزدهم ماه ربیع الاول ۵۷۵هـ ق ملک صلاح الدین بن ایوب دستور داد تا ساختمان این مدرسه بدست حاجب ابی الفتح معروف به ابن العمید دوباره ساخته شود. علاوه بر این نورالدین زنگی حلقه‌ی کوثریه را که در مقابل پنجره‌ی مدرسه الکلاسه واقع بود بر کودکان و ایتم وقف کرد در حالیکه آنها هر شب بعد از نماز عصر سه مرتبه " قل هو الله احد " را می‌خواندند و ثواب آن را برای واقف آن یعنی نورالدین هدیه می‌دادند. (ابن تغری بردی، ۴۹/۶. الاوتانی، همان، ۴۰۷).

مدرسه الشعیبه؛ این مدرسه اولین مسجدی بود که مسلمانان در هنگام فتح برای آن برنامه ریزی کرده بودند و به مسجد ابی الحسن علی بن عبدالحمید الغضائری، یکی از یاران سری السقطی، شناخته شد. پیش از این اشاره شد، هنگامی که نورالدین زنگی حلب را به تصرف خود درآورد مدارس را هم در آنجا بنا کرد. در این زمان شعیب بن ابی الحسن بن حسین بن احمد فقیه اندلسی به آنجا رفت و مسجد را تبدیل به مدرسه کرد و خود در آن جا به تدریس مشغول گشت و این مدرسه تا زمان ما به این نام "الشعیبه" شناخته شدند. وی پیوسته در آن جا مشغول بود تا اینکه در سال ۵۹۶هـ. در راه مکه از دنیا رفت و در منطقه‌ی تیماء دفن شد. بعد از وی افرادی مانند الشیخ شمس الدین محمد بن موسی الجزولی، موفق الدین أبو القاسم بن عمر بن الفضل الکردی الحمیدی، قوام الدین أبو العلاء المفضل بن سلطان بن شجاع معروف به ابن حاذور المقدم سرپرستی این مدرسه را بر عهده گرفتند. (الطباخ الحلبي، ۶۳/۲-۶۷. ابن شداد، بی تا، ۳۶).

مدرسه النفریه النوریه؛ این مدرسه را نورالدین زنگی در سال ۵۴۴هـ ق برای شافعی مذهببان و در حلب بنا کرد. اولین بار سرپرستی آن را قطب الدین مسعود بن محمد بن مسعود النیسابوری الطرثی، مولف کتاب "الهادی فی الفقه" بر عهده گرفت. وی از جمله کسانی بود که در این مدرسه به کار تدریس مشغول بودند. (ابن کثیر، ۳۳۵/۱۲. ابوشامه، ۱/ ۱۷).

ج) مدارس حنفیه

مدرسه اقبالیه (حنفیه)؛ در ذیل مدرسه اقبالیه شافعیه توضیح داده شد که دو خانهای متعلق به جمال الدین بود که خانهای بزرگتر را بر شافعیها و کوچکتر را بر حنفیها وقف کرد و اماکنی هم به عنوان موقوفه به آنها اختصاص داد که دو سوم آن مخصوص مدرسه‌ی شافعی و یک سوم باقی به مدرسه حنفیه تعلق داشت. ابن شداد از مدرسان این مدرسه که تا لحظه‌ی مرگ در آنجا تدریس می‌کردند نام می‌برد، از جمله آنها باید به بهاء الدین عباس مدرس و خطیب، تاج الدین عبدالعزیز بن سوار حنفی (وی سرپرستی این مدرسه را تا آخرین روزهای زندگی بر عهده داشت) و شیخ فقیه الامام شمس الدین محمد بن عثمان بن محمد الاصبهانی معروف به ابن العجمی الحنفی که تا واپسین دم زندگی در این مدرسه فعالیت می‌کردند، اشاره کرد. (نعیمی، ۱/۳۶۲-۳۶۴).

مدرسه عذراویه (حنفیه)؛ پایه گذار آن را عذراء دختر نورالدین می‌دانند. (شلبی، ۱۳۲). این مدرسه از جمله مدارسی است که هم بر شافعیه و هم بر حنفیه وقف شده بود. از مدرسین این نهاد علمی می‌توان به قاضی عزیز الدین السنجاری و همچنین شیخ حمید الدین السمرقندی و پس از وی قاضی القضاة صدرالدین سلیمان حنفی که تولیت این مدرسه را بر عهده داشتند، اشاره کرد. علاوه بر این، افرادی هم مانند سید عماد الدین بن عدنان و قاضی جلال الدین الرازی در این مدرسه مشغول به تحصیل بودند. (نعیمی، ۱/۴۲۲)

مدرسه نوریه کبری؛ در باب این مدرسه و نسبت دادن آن به نورالدین زنگی روایت‌هایی وجود دارد؛ ابن جبیر در سده ششم هـ/یازدهم میلادی پس از گشایش مدرسه از آن دیدن کردند و آن را یکی از بهترین مدرسه‌ها در جهان معرفی کرد. (ابن جبیر، بی تا، ۲۵۶. پاشا، ۱۴۰۹، ۱۲۳) افرادی مانند ابوشامه و ابن شداد و همچنین ابن بطوطه (ابن بطوطه، ۱۳۵۹، ۵۴/۱) بر این باورند که این مدرسه را نورالدین محمود زنگی در سال ۵۶۳ هـ. ق/۱۱۶۷ م بنیاد نهاد. (شلبی، ۱۳۶-۱۴۰).^{۱۵} این در حالی است که نعیمی (م ۹۲۷ هـ. ق/۱۵۲۰ م) که بیشتر مطالب خود را از ابن شداد گرفته است، بر این عقیده نیست و بنیاد آن را به اسماعیل پسر نورالدین نسبت می‌دهد. او هیچ گونه دلیلی بر ادعای خود نمی‌آورد و تنها به این حقیقت اشاره می‌کند که نخست بدن نورالدین در این مدرسه به خاک سپرده نشد بلکه در روزگار اسماعیل بدانجا انتقال یافت. (نعیمی، ۱/۴۶۶) زرکلی در کتاب خود "الاعلام" ذکر می‌کند که قبر نورالدین همچنین در مدرسه نوریه می‌باشد. (زرکلی، ۱۷۰/۷) یا نقل شده است که نورالدین این مدرسه را در بخشی از خانهای هشام بن عبدالملک بنا نهاد. (موسوی بجنوردی، ۱۵/۲) به هر حال این مدرسه در «خط الخواصین» محلی که امروز

مردم دمشق آن را «خط الخیاطین» می‌گویند و در فاصله کمی از جنوب باختری مسجد اموی واقع است. (نعیمی، همان، ۱، ۴۶۶) علاوه بر این، این مدرسه به تدریس فقه حنفی اختصاص داشت و تنی چند از استادان حنفی برای تدریس در آن برگزیده شده بودند از جمله: بهاء‌الدین عقاده (متوفی ۵۶۶هـ.ق/۱۱۷۰م) تا روز مرگ در آنجا تدریس می‌کرد. برهان الدین مسعود که تا واپسین دم زندگی به آموختن سرگرم بود و در ۵۹۹هـ.ق/۱۲۰۲م جان سپرد. شرف‌الدوله که در ۶۳۹هـ.ق/۱۲۴۱م بدرود جهان گفت و تا سال ۶۲۳هـ.ق/۱۲۲۶م تدریس کرد و آنگاه کناره گرفت.

سرپرستی مدرسه به دست دانشمندی به نام جمال الدین محمود بن احمد حصیری افتاد که در دانش و دین زبانزد بود، نظام الدین حصیری، جوانترین پسر جمال الدین، پس از برادرش قوام الدین در این مدرسه تدریس می‌کرد تا اینکه در سال ۶۹۸هـ.ق در گذشت، کسانی دیگر از جمله صدرالدین بصرای و عمادالدین طرسوسی نیز در این مدرسه به تدریس می‌پرداختند. (شلبی، همان، ۱۳۶-۱۴۰) مدرسه‌ی نوریه یکی از مهمترین مدارس این دوره و دارای بخش‌های مختلفی بود: ایوان^{۱۶} مهمترین بخش مدرسه بود و حلقه‌های درس در آنجا برپا می‌شد. از دیگر بخش‌های آن باید به مسجد اشاره کرد. این مکان ویژه دانشجویان نبود ولی در آن بروی همگان باز بود و در دورترین فاصله با ایوان قرار داشت تا مزاحم نمازگزاران نباشد. آسایشگاه استادان از دیگر بخش‌های این مدرسه بود. این محل با خانه مسکونی و خوابگاه استادان که در آن زندگی می‌کنند، تفاوت دارد. خوابگاه برای دانشجویان، اتاق سرایدار، آبریزهای ساختمان، آشپزخانه و نهار خوری، انبار مواد غذایی، انبار عمومی مدرسه از دیگر بخش‌های این مدرسه‌ی بزرگ بود. (همان، ۱۱۷)

مدرسه نوریه صغری؛ این مدرسه در حلب و توسط نورالدین زنگی ساخته شد. از جمله افرادی که در این مدرسه مشغول به تحصیل بودند می‌توان به بهاء الدین عیاک اشاره کرد. سرپرستی این مدرسه را به ترتیب تاج الدین بن سوار، شمش الدین سلمان الملطی، برهان الدین الترمکمانی، نجم الدین حمزه معروف به ابن الکاشی و سرانجام عماد الدین طرسوسی بر عهده داشتند. (ابن جبیر، ۲۵۶).

مدرسه الحلاویه؛ این مدرسه از جمله مدارسی است که در زمان نورالدین زنگی در سال ۵۴۳ هـ.ق در حلب بنا شد. (ابن شداد، ۳۸۹) از جمله کسانی که در این مدرسه تدریس و سرپرستی آن را بر عهده گرفتند می‌توان به برهان الدین ابالحسن علی بن الحسن البلخی الحنفی اشاره کرد. (ابن ابی جراده، زبده الحلب،

۴۷۵/۲؛ همان، بغیه الطلب، ۶۲/۱ و ۴۵۷ و ۴۵۸؛ ابن محمود القزوينی، ۱۳۷۳، ۷۲/۱، حداد عادل، ۱۳۸۸، ۸۵۶/۱۳). این مرکز علمی بعدها در عصر صلاح الدین ایوبی مرمت شده است.

ج) بیمارستان بزرگ نوریه؛ مسلمانان از دیرباز به ضرورت تاسیس بیمارستان‌ها برای درمان و توسعه‌ی علم پزشکی پی برده بودند. از آنجا که در این اماکن حالات مختلف بیماری برای دانشجویان مشهود و داروها نیز در دسترس بودند، لذا این مکان بهترین زمینه برای تعلیم علم پزشکی و بهره‌مندی دانشجویان نیز بود. بنابراین در بیمارستان‌های اسلامی در کنار معالجه بیماران، اصول پزشکی و شیوه‌ی درمان به دانشجویان این رشته آموخته می‌شد. دانشجویان پزشکی در کنار فراگیری مسائل طبی و با حضور مستقیم بر بستر بیماران، به طور عملی و تجربی آموخته‌های نظری خود را به کار می‌بستند یا هنگام کار نکات جدیدی را از استادان خود فرا می‌گرفتند. ابن ابی اصیبعه در کتابی درباره برخی از مجالس تدریس طب که در بیمارستان‌ها تشکیل می‌شدند، سخن گفته است. او درباره جلسه درس ابوالمجدد بن ابی‌الحکم، طیب قرن ششم می‌گوید: وی به بیمارستان بزرگی که الملک العادل نورالدین محمود در دمشق ساخته بود، می‌رفت و در ایوان بزرگ بیمارستان می‌نشست و کتب پزشکی را پیش روی خود قرار می‌داد. گروهی از طبیبان و دانشجویان طب نزد او آمده و به فراگیری و مباحثه می‌پرداختند و این جلسه تا سه ساعت از روز به طول می‌انجامید. (حسین زاده شانه چی، ۱۰۸-۱۰۹). از اینرو بود که نخستین دانشکده‌های پزشکی در بطن بیمارستان‌ها بوجود آمد.

مهم‌ترین بیمارستان‌های آن دوره که در آنها ضمن انجام فعالیت‌های معمول، حلقه‌های تدریس هم دایر می‌شد، می‌توان به بیمارستان عضدی بغداد (همان، ۱۰۶-۱۱۰)، بیمارستان بزرگ منصورى قاهره (عزالدین، ۱۴۱۰، ۷۳). و بیمارستان بزرگ نوریه دمشق اشاره کرد (ابن تغری بردی، ۵۱/۶. الاوتانی، ۴۸. پاشا، همان، ۱۳۱). نورالدین زنگی از جمله کسانی بود که توانست گام‌های موثری در این زمینه بردارد. علاقه‌ی وی به علم و دانش یکی از عوامل ترویج علوم و توسعه‌ی آموزش پزشکی نیز بود. (غنیمه، ۱۶۸-۱۷۳). این نهاد علمی آموزشی از سوی وی بعدها وقف فقراء و نیازمندان گردید. در راس این نهاد آموزشی همانند سایر مراکز علمی آموزشی دیگر، شخصی وجود داشت که تولیت آن را بر عهده می‌گرفت. بنابراین، سرپرستی این بیمارستان بزرگ به پزشکی به نام ابی‌المجدد سپرده شد. به رغم اینکه این بیمارستان در عصر زنگیان از رونق زیادی برخوردار بود، جایگاه آن در اعصار بعد به ویژه در زمان صلاح الدین ایوبی ارتقاء پیدا کرد. (حمود، ۱۳۳).

د) سایر مدارس و مراکز علمی؛ با وجود مراکز علمی و آموزشی فراوانی که در دوره‌ی زنگیان در منطقه شامات ایجاد شد در این بخش به مدارس پرداخته می‌شود که در منابع فقط نامی از آنها ذکر شده و کمتر توضیحی درباره‌ی چگونگی فعالیت‌های آموزشی در آنها یافت می‌شود. از جمله این مراکز می‌توان به: حمایه الحلویه (ابن ابی جراده، زبده الحلب، ۲/۴۷۶)، الحمایه، (همان، ۴۷۶) و مدرسه‌ی الخاتونیه الجوانیه (این مدرسه توسط خاتون دختر معین الدین انر همسر نورالدین محمود بن زنگی بنا شد و برادرش سعد الدین بنای آن را در سال ۵۷۳ هـ ق/۱۱۷۷ م تکمیل کرد) (ابن العماد، ۴/۱۷۷. الاوتانی، ۳۸۸) اشاره کرد. نورالدین زنگی در دیگر شهرهای منطقه شامات از جمله حمص و بعلبک (ابن واصل، ۱۳۶۹، ۱۶۵) مدارس را بنا کردند اما منابع هیچ گونه اشاره‌ای به ساخت و چگونگی فعالیت‌های آموزشی این مدارس نکرده‌اند.

نتیجه

با بررسی تاریخ آموزش و نهادهای آموزشی عصر اتابکان زنگی، می‌توان دریافت که اوضاع آموزشی این دوره از شکوفایی خاصی برخوردار بوده است. در این دوره بود که شخصیت‌های بزرگی مانند نورالدین زنگی و دانشمندانی مانند ابن عساکر و ... پا به عرصه‌ی ظهور گذاشتند و در تسریع علوم اسلامی و همچنین ساخت بناهایی که این علوم در آنها تدریس می‌گشت، کمک شایانی انجام دادند. نورالدین زنگی به رغم اینکه بیشتر به عنوان یک چهره نظامی در سراسر جهان اسلام شناخته شده است، اما اقدامات وی در عرصه علم و فرهنگ بیشتر از هر چیزی توجه خاص و عام را به خود جلب کرده است. مهمترین اقدامات وی در حوزه آموزشی علاوه بر دارالحدیث نوریه به عنوان یک مرکز علمی تخصصی و ساخت بیمارستان بزرگ نوریه، مدارس مهمی از قبیل؛ مدرسه بزرگ نوریه الکبری به عنوان یکی از مجهزترین مدارس علمی آن روز، مدرسه عادلیه بزرگ، مدارس الصلاحیه، العمادیه و الکلاسه، الامینیه، الحلاویه، العصورنیه، مدارس اقبالیه (شافعیه و حنفیه) و مدارس عذراویه (شافعیه و حنفیه) و النوریه الصغری، حمایه الحلویه، الحمایه و چند مدرسه‌ی دیگر، هر چند منابع اشاره‌ای به ساخت و چگونگی آموزش آنها نکرده‌اند، در شهرهای حمص و بعلبک بنا نهاد. علاوه بر نورالدین، عملکرد و فعالیت چشمگیر سه تن دیگر از اتابکان، یعنی اتابکان موصل، بنام عزالدین مسعود، سیف الدین غازی و مجاهدالدین قایماز در بسط و گسترش آموزش و فرهنگ اسلامی در منطقه شامات را نباید نادیده انگاشت. این افراد همانند سایر شخصیت‌های بزرگ اسلامی هر کدام به سهم خود تلاش فراوانی را در پیشرفت علم و گسترش نهادهای علمی در تمدن اسلامی ایجاد کردند. تلاش‌های آنها در عرصه آموزش و تعدد و تنوع در ساخت مکان‌های آموزشی، رونق و ترقی

علم و دانش در این دوره را نمایان می‌سازد. ولی با توجه به مذهب رایج در این دوره، امراء و علماء، این مدارس را بیشتر به فقهای حنفی و شافعی اختصاص می‌دادند تا پیروان این مذاهب به تعلیم و آموزش بپردازند. علاوه بر علاقه و علم دوستی امراء و وزراء زنگی، حمایت و پشتیبانی آنها از این مراکز و نهادهای علمی، ظهور علماء و فقهای بزرگ و تألیف کتب مهمی از سوی آنها و از همه مهم‌تر اختصاص درآمدهای کلان موقوفات به این مدارس و مراکز علمی را، از عوامل گسترش علم و نهضت مدرسه سازی در عصر اتابکان زنگی دانسته‌اند.

پی‌نوشت

۱. حادثه ی عین التمر در زمان حکومت ابوبکر میان سپاه خالد بن ولید فرمانده عرب ومهران پسر بهرام چوبین درگرفت. در این واقعه گروه بزرگی از قبایل عرب از جمله قبیله‌ی نمر، تغلب و ایاد با سپاه ایران هم‌دستان شدند و به فرماندهی عقه بن ابی عقه به سوی سپاه اسلام یوش بردند، اما شکست خورده و هزیمت کردند. سپاه مهران نیز در نبرد با خالد بن ولید کاری از پیش نبرده و به همراه سایر فراریان به دژه‌ها پناه بردند. خالد پس از هزیمت آنان به استحکامات آنان حمله کرد و هرچه داخل دژ بود. با خود به غنیمت برد و میان سپاهیان خود تقسیم کرد که از جمله‌ی این غنیمت‌ها نصیر پدر موسی بود. رک. ابن خلدون.
۲. با در نظر گرفتن این نکته که بر طبق روایت ابن اثیر و موسی بن نصیر در زمان حکومت ولید بن عبدالملک بر افریقا حکومت یافته است نه در زمان عبدالملک بن مروان.
۳. فرماندهی مرحله‌ی دوم و چهارم فتوحات شمال آفریقا.
۴. در اواخر دوره‌ی قدرت رومی‌ها، یعنی در قرن ۵ میلادی نخست واندال‌ها که تیره‌ای از ژرمن‌ها بودند و سپس ویزیگوت‌ها یا گوت‌های غربی به این منطقه آمده و آن را تحت فرمان خود درآوردند و دست رومی‌ها را از این منطقه کوتاه کردند. رک: اجیوسی، میراث اسپانیای مسلمان
۵. خیانت رقیب سیاسی لذریق به نام کشیش اپاس.
۶. سلیمان فرزندش ایوب را ولی عهد خود کرده بود، اما در این بین ایوب درگذشت و به توصیه رجاء بن حیا، عمر بن عبدالعزیز را جانشین وی ساخت.
۷. گویند زمانی که موسی بن نصیر به عنوان وزیر و مشاور بشر در بصره، مشغول به خدمت بود، پدر یزید بن مهلب در کار جنگ با فرقه‌ای از خوارج به نام ازارقه بود که بشر بر وی بدگمان شده و قصد جان وی را داشت که با وساطت موسی را از این کار پشیمان شد. یزید بن مهلب قصد داشت تا با ضامن شدن بر جان موسی محبت وی را بر پدرش جبران کند.

منابع

- آندلسی، ابوالقاسم صاعد بن احمد بن صاعد، (۱۳۸۳). **التعریف به طبقات الامم**، ترجمه غلام رضا جمشید نژاد، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- ابن قوطیه، ابوبکر بن محمد بن عمر، (۱۳۶۹). **تاریخ فتح اندلس**، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ابن اثیر، عزالدین علی، (بی تا). **الکامل یا تاریخ بزرگ اسلام و ایران**، ترجمه عباس خلیلی، به اهتمام: حسن سادات ناصری، ج ۴، بی جا، بی نا
- ابن خلکان (۱۳۸۱). **وفیات الاعیان و ابناء الزمان**، مترجم: احمد بن محمد بن عثمان بن السنجری، مصحح: فاطمه مدرس، ج ۲، ارومیه، نشر دانشگاه ارومیه
- ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۶۳). **العبر**، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۲، تهران، موسسه تحقیقات فرهنگی.
- _____، (۱۹۷۹م). **تاریخ ابن خلدون**، بیروت، دارالفکر
- اجیوسی، سلماخضر، (۱۳۸۰). **میراث اسپانیای مسلمان**، ترجمه عبدالله عظیمایی و دیگران، تهران، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- آیتی، محمد ابراهیم، (۱۳۴۰). **اندلس یا حکومت مسلمین در اروپا**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن عبدالحکم مصری، ابوالقاسم عبدالرحمان بن عبدالله (۱۹۶۴م). **فتوح المصّر والمغرب**، تحقیق: عبدالله انیس، بیروت، الطباع دارالکتاب البنانی.
- ابن تغری، بردی، (بی تا). **النجوم الزاهره فی ملوک المصّر وقاهره**، ج ۱، بی جا، طبعه دارالکتاب
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، (۱۳۳۷). **فتوح البلدان**، ترجمه محمد متوکل، تهران، نشر نقره
- حتی، فیلیپ خوری، (۱۳۴۴). **تاریخ عرب**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تبریز، بی نا.
- دینوری، ابن قتیبه، (۱۳۸۴). **امامت و سیاست**، ترجمه ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس، چ ۲.
- ذنون طه، عبدالواحد، (۲۰۰۴م). **الفتح والاستقرار العربی الاسلامی**، بیروت، دارالمدار اسلامی
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹م). **اعلام**، ج ۷، بیروت، دارالعلم للملایین
- شبلی، احمد، (۱۹۷۴م). **موسوعه التاریخ الاسلامی**، مصر، بی نا

طبری، محمد بن جریر، (۱۳۶۴). تاریخ طبری، ج ۶، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، چ ۲.
طقوش، محمد سهیل، (۱۳۸۹). دولت امویان، ترجمه حجت الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۵.

عنان، محمد عبدالله، (۱۳۶۶). تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ترجمه محمد عبدالله آیتی، تهران، کیهان کالمت، (۱۳۶۸). تاریخ اسپانیا، ترجمه امیر مضر، با مقدمه: ایرج افشار، تهران، نشر آشنا.
ممتحن، حسین علی، (۱۳۸۱). تاریخ سیاسی اسلام در عصر اموی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
مراکشی، ابن عذار، (۱۹۸۳م). البیان المغرب فی الاخبار الاندلس و المغرب، تحقیق لووی پرونسال وچ سی کولان، بی جا، دارالتقافه
مقری تلمسانی، احمد بن محمود، (۱۹۶۸م). نفع الطیب من نحصن الاندلس، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارالصاد.

مونس، حسین، (۱۳۷۶). تاریخ و تمدن مغرب، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

_____ (۱۳۷۵). سپیده دم اندلس، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

ناصری طاهری، عبدالله، (۱۳۸۸). مقدمه‌ی بر تاریخ مغرب اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۲.
یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (۱۳۶۸). تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۸. در سال ۵۲۱ هـ. ق اتابک عمادالدین زنگی بن آق سنقر از طرف سلطان محمود سلجوقی شحنگی بغداد را بر عهده گرفت سپس وی به امارت بصره منصوب شد و بعدها واسط به قلمرو او پیوست. پس از مرگ عزالدین مسعود بن آق سنقر که عمارت موصل داشت، عمادالدین به حکومت آن دیار برگزیده شد. (نک: ابن العبری، تاریخ مختصر الدول، صص ۲۴۲-۲۴۴). درباره قتل عماد الدین (نک: ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۱/۱۱۰).

۹. از رویدادهای سال ۵۶۹ هـ. ق درگذشت اتابک نورالدین محمود بن زنگی است که ابن اثیر پس از اشاره به این موضوع می‌نویسد: از رفتار و صفات پسندیده نورالدین، خدا پرستی و دانش وی بود. (نک: ابن اثیر، پیشین، ۱۱/۴۰۲).

۱۰. نظام الملک مدرسه‌هایی شکوهمند پی افکند که در بغداد، نیشابور و بسیاری شهرهای دیگر پس از او بنام این وزیر-نظامیه- خوانده شدند. بنیاد مدرسه‌ها بدین منظور هرگز پس از آن درنگ نپذیرفته است ولی از میان همه دنباله روان نظام الملک در این زمینه هیچ کدام از نورالدین زنگی، نخستین پایه گذار مدرسه‌ها در دمشق، برجسته تر نبودند. نورالدین در ۵۵۱ هـ. ق به تخت نشست و پس از آن آغاز به برپایی مدرسه‌ها در شهرهای مهم سرزمین خود کرد و تا دم مرگ در ۵۶۹ هـ. ق این کار را پی گرفت. در روزگار فرمانروایی ایوبیان، مصر با شیوه‌ای از مدرسه‌ها آشنا شد و در سراسر زمین زیر فرمان نورالدین مدرسه‌های بسیاری ساخته شد. شاهان، شاهپوران، شاهدختان، بازرگانان و حتی خدمتگزاران به ساختن و بنیاد مدرسه‌ها و پشتیبانی از فرهنگ و آموزش دلبستگی نشان دادند و نقش بازی کردند. (نک: الماسی، تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران، ص ۳۰۷).

۱۱. در این دوره مدرسه‌ها در واقع مسجد و مدرسه با هم بود که عده‌ای دانشجو در آن سکونت می‌گزیدند و نورالدین از این مدرسه‌های مسجدی که خاص تعلیم مذهب شافعی بود همانطور که گفته شد مدارس را در شهرهای مذکور نیز بنیاد کرد. (نک: خلیل حتی، تاریخ عرب، ص ۸۳۵).

۱۲. وی در جزیره ابن عمر متولد شد و در کودکی در همین شهر به مدرسه رفت، سپس همراه خانواده‌ی خود به موصل عزیمت کردند و در آنجا تحت حکومت زنگیان یعنی مجدالدین و فرزندش عزالدین مسعود به فعالیت‌های علمی خود ادامه دادند (نک: سمیر سعید کجیو، مجله التراث العربی، ص ۱).

۱۳. بی تردید استمرار فعالیت نهادهایی همانند مراکز و موسسات آموزشی در گرو تامین نیازهای مادی و معنوی آنهاست و از جمله مهمترین آن نیازها، بودجه و امکانات مالی و نحوه تامین و چگونگی صرف و هزینه کردن آن است. در سنت تعلیماتی اسلام، وقف و موقوفات به عنوان اصلی ترین منبع و حمایت مردمی- غیر دولتی - برای رفع این گونه نیازها مورد توجه بوده است. (نک: غنیمه، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، پیشین، ص ۳۷).

۱۴. یاقوت حموی معتقد است این مدرسه از جمله مدارس است که توسط نورالدین محمود زنگی بنا شده است (نک: حموی، معجم الادباء، ج ۲، ص ۴۳۱؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۶).

۱۵. تاریخ آموزش در اسلام، احمد، شلیبی، پیشین، صص ۱۳۶-۱۴۰. نورالدین مدارس جدیدی بنا کرد و مدارس قدیم را توسعه و ترمیم داد که مشهورترین آنها در دمشق، مدرسه نوریه می‌باشد که به اسم او نامیده شد. (نک: سوزی حمود، الفاطمیون و الزنکیون و الایوبیون و الممالیک پیشین، ص ۱۳۲. الخلاوی، اصول التریبه الاسلامیه و اسالیبها فی البیت و المدرسه و المجمع، ص ۱۴۶).

۱۶. ایوان واژه‌ای است پارسی و کهن و برابر واژه‌ی تالار یا اتاق درس امروز است.

۱۷. نورالدین به همسرش عصمه خاتون مدرسه ای را که به اسم او خاتونیه نامیده می‌شد، بخشید (نک: سوزی حمود، الفاطمیون و الزنکیون و الایوبیون و الممالیک، پیشین، ص ۱۳۲).

منابع

ابن ابی جراده، کمال الدین عمر بن احمد، (۱۴۱۸ هـ/۱۹۹۷م). **زبدہ الحلب من تاریخ الحلب**، دمشق- قاهره، نشر دارالکتب العربی.

_____، (بی تا). **بغیہ الطلب فی تاریخ الحلب**، تحقیق و مقدمه از سهیل زکار، بیروت، لبنان، دارالفکر.

ابن اثیر، عزالدین علی، (۱۳۹۹). **الکامل فی التاریخ**، بیروت، دارالفکر.

ابن العبری، (بی تا). **تاریخ مختصر الدول**، تحقیق انطون صالحانی الیسوعی، بی جا، انتشارات دارالشرق.

ابن العماد، شهاب الدین ابوالفلاح عبدالحی بن احمدالعکری الحنبلی دمشقی، (بی تا). **شذرات الذهب فی اخبار من ذهب**، بی جا، دارالکتب العلمیه.

ابن بطوطه، (۱۳۵۹). **سفرنامه ابن بطوطه**، مترجم محمد علی موحد، تهران، بی نا.

ابن تغری بردی الاتابکی، جمال الدین ابی المحاسن یوسف، (بی تا). **النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره**، مقدمه و تعلیقه از شمس الدین، محمد حسین، بیروت، لبنان، دارالکتب العلمیه.

ابن جبیر، ابوالحسین محمد بن احمد، (بی تا). **رحله ابن جبیر**، ج ۲، بیروت، لبنان، دار صادر.

ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، (۱۳۶۳). **العبر**، ترجمه عبد المحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ابن خلکان، شمس الدین احمد بن محمد، (۱۳۶۴). **وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان**، قم، منشورات الشریف الرضی.

ابن شداد، (بی تا). **اعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره**، بی جا، بی نا.

ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن هبه الله شافعی دمشقی، (۱۴۱۵). **تاریخ مدینه دمشق حماها الله و ذکر فضلها**، بیروت، دارالفکر.

ابن کثیر، (بی تا). **البدایه و النهایه**، بیروت، بی نا.

ابن محمودالقزوینی، زکریا بن محمد، (۱۳۷۳). **آثار البلاد و اخبار العباد**، تهران، امیرکبیر.

ابن واصل، جمال الدین محمد بن سالم، (۱۳۶۹). **مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب**، مصحح جمال الدین الثبال، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

- ابوشامه، شهاب الدین عبدالرحمن بن اسماعیل بن ابراهیم بن عثمان المقدسی دمشقی الشافعی، (۱۴۲۲).
الروضتین فی اخبار الدولتین النوریه و الصلاحیه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- الواتانی، احمد، (۲۰۰۷). دمشق فی العصر الایوبی (دراسه السیاسیه، اقتصادیه، اجتماعیه، ثقافیه)، مقدمه
سهیل زکار، دمشق، نشر التکوین.
- الخلاوی، عبدالرحمن، (۱۹۸۳م). اصول التریبه الاسلامیه و اسالیبها فی البیت و المدرسه و المجمع، ج ۲،
دمشق، دارالفکر.
- الشریف، محمد موسی، (۱۴۲۸). مختصر کتاب الروضتین فی اخبار الدولتین نورالدین زنگی و صلاح
الدین ایوبی، دمشق-بیروت، دار ابن کثیر.
- الطباخ الحلبی، محمد راغب بن محمود بن هاشم، (۱۴۰۸). اعلام النبلاء بتاریخ الحلب الشهباء، حلب،
دارالقلم العربی.
- العسقلانی، ابن حجر، (بی تا). الدرر الكامنه فی اعیان المئه الثامنه، بی جا، بی نا.
- الماسی، علی محمد، (۱۳۷۰). تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران، تهران، امیر کبیر.
- پاشا، عمر موسی، (۱۴۰۹). الادب فی بلاد الشام عصور الزنکیین و الایوبیین و الممالیک، بیروت، لبنان/
دمشق، سوریه، دارالفکر المعاصر.
- جیده، احمد خالد، (۲۰۰۱م). المدارس و نظام التعلیم فی بلاد الشام فی العصر المملوکی، بیروت، نشر
الموسسه الجامعه للدراسات.
- حداد عادل، غلامعلی، (۱۳۸۸). دانشنامه جهان اسلام. تهران.
- حسین زاده شانه چی، حسن، (۱۳۸۸). تاریخ آموزش در اسلام، قم، نشر بین المللی المصطفی.
- حلبی، علی اصغر، (۱۳۶۵). تاریخ تمدن اسلام، تهران، نشر بنیاد.
- حمود، سوزی، (۱۴۳۱). الفاطمیون و الزنکیون و الایوبیین و الممالیک و صراعهم حول السلطه فی
المشرق العربی (۳۶۲-۹۲۳ هـ. ق/۹۷۳-۱۵۱۷م)، بیروت، دارالنهضه العربیه.
- حموی، یاقوت، (بی تا). معجم الادباء، بی جا، بی نا.
- حموی، یاقوت، (بی تا). معجم البلدان، بی جا، بی نا.
- خلیل حتی، فیلیپ، (۱۳۶۶). تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات آگاه.
- زرکلی، خیرالدین، (۱۹۹۲م). الاعلام، ج ۱۰، بیروت، دارالعلم للملایین.
- شلبی، احمد، (۱۳۸۷). تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمدحسین ساکت، تهران، نگاه معاصر.

عزالدين، كمال الدين، (۱۴۱۰هـ/۱۹۹۰م). الحركه العلميه فى مصر فى دوله المماليك الجراكسه، بيروت، عالم الكتب.

غنيمه، عبدالرحيم، (۱۳۷۷). تاريخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامى، ترجمه نورالله كسايبى، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

كجوى، سمير سعيد، (بى تا)، «مجدالدين بن اثير و منهجه فى التاليف»، مجله التراث العربى، بى جا، بى نا. كسايبى، نورالله، (۱۳۷۴). مدارس نظاميه و تاثيرات علمى و اجتماعى آن، تهران، انتشارات اميركبير. متوارى سوركى، پروين، (۱۳۸۴). خزائن مكتوب «از وقف كتاب تا كتابخانه‌هاى وقفى»، تهران، نشر پيام رسان.

مجتهدى، كريم، با همكارى حسين كلباسى و ديگران، (۱۳۷۹). مدارس و دانشگاه‌هاى اسلامى و غربى در قرون وسطى، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم اسانى و مطالعات فرهنگى.

محمود ساعاتى، يحيى، (۱۳۷۴). وقف و ساختار كتابخانه‌هاى اسلامى (كاوشى در ميراث فرهنگى اسلام)، ترجمه احمد اميرى شاد مهرى، مشهد، آستان قدس رضوى.

موسوى بجنوردى، كاظم، (۱۳۶۸). تهران، دايره المعارف بزرگ اسلامى. نعيمى دمشقى، عبدالقادر بن محمد، (۱۴۱۰هـ/۱۹۹۰م). الدارس فى تاريخ المدارس، بيروت، لبنان، دارالكتب العلميه.